



یادداشت • حسین رافقر

اقتصاد مردم محور به چه معناست؟

رفع فقر، یکی از اهداف عالی و وظایف دولت‌ها است. برای موفقیت در این راه نیز راهکارها و الزامات اقتصادی‌ای وجود دارد که سال‌هاست در کشور به شیوه‌های مختلف بیان می‌شود. برای رفع فقر، اول باید خود این مفهوم را بشناسیم و لایه‌بندی کنیم. ما در حال حاضر در کشور، اقشار به شدت محرومی داریم که نیاز به حمایت‌هایی خاص - حتی حمایت‌های غذایی - دارند و نهادهایی مانند کمیته امداد و بهزیستی و ... هم در این خصوص، در حال فعالیت هستند. برای ریشه‌کنی آن لایه از فقر شدید، باید اعتبارات این نهادها افزایش پیدا کرده و وظایف و کارکردهای آنها بازتعریف شود. اما این، همه مسئله فقر در ایران نیست. لایه‌های گسترده‌تری از فقر هم در کشور وجود دارد که باید به‌صورت ویژه، برای آنها برنامه‌ریزی کرد. در این سطح هم دو مفهوم اساسی را باید در نظر گرفت. اول توانمندسازی نظام تامین اجتماعی و بازتعریف نقش‌های این نظام - که باید به صورت جدی و براساس قانون در دستورکار قرار بگیرد - و در مرحله بعد از آن، در دستورکار قرار گرفتن ایجاد اشتغال و شناسایی توانمندی‌های فردی افراد در جامعه برای بهبود وضعیت. ایجاد اشتغال، به تناسب توانایی‌های افراد از جمله راهکارهای حل مشکل فقر، به صورت ریشه‌ای است. این مسئله سال‌هاست که در ایران، مورد غفلت واقع شده و به آن بی‌توجهی می‌شود. دولت دوازدهم اگر می‌خواهد هدف و اولویت خود در حوزه کارشناسی و اساسی در این خصوص داشته باشد.

اقتصاد مردم‌محور، یکی از تاکیدات مهم اسناد بالادستی از جمله سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است و اتفاقاً مردم‌محورشدن اقتصاد، یکی از راهکارهای مهم رفع فقر هم تلقی می‌شود. در این راستا، یک نکته بسیار مهم، پرهیز از تصمیمات غلط اقتصادی است. برخی تصمیمات غلط اقتصادی، موجب می‌شود که عملاً دولت‌ها از مسیر فقرزدایی فاصله بگیرند. اتخاذ تصمیمات بلندمدت و یک‌جانبه‌ای که منافع اقلیت جامعه را در بردارد، از جمله مهم‌ترین دلایل ایجاد فقر در یک جامعه به شمار می‌آید. در این شرایط، منافع عموم جامعه، قربانی منافع عده‌ای خاص می‌شود و ادامه این روند، به افزایش ضریب جینی و کاهش قدرت خرید مردم و درنهایت، به فقر منجر می‌شود. یادمان باشد سیاست‌های مبتنی بر توزیع پول، مشکل فقر را حل نمی‌کند. دولت‌ها باید مسیری را انتخاب کنند که منافع حداکثر جامعه را در برداشته باشد. متأسفانه در سال‌های گذشته، اتخاذ سیاست‌های غلط در حوزه اقتصاد، به فقر بیشتر در کشور دامن زده است. بخش عظیم این فقری که وجود دارد، ناشی از کارکردهای غلط اجتماعی در کشور است. این دسته از فقرا، قربانی نظام اجتماعی و سیاست‌های غلط اقتصادی هستند. متأسفانه نهادهای مناسبی وجود ندارند که به بازتوزیع عادلانه محصول اجتماعی کمک یا شغل مناسبی برای افراد، فراهم کنند؛ در حالی که این، جزء تعهدات قانون اساسی است. قانون اساسی، دولت را متعهد کرده که فرصت‌های اشتغال و منابع ایجاد آن را برای همه افراد فراهم کند.

استاد اقتصاد دانشگاه الزهرا



تئینو | ۰۷

شفافیت، مبارزه با فساد و بازگشت به سیاستگذاری اصولی رفاهی، الزامات رفع فقر مطلق و تحقق عدالت رفاهی است

سیاستگذاری علیه فقر مطلق

حوزه مطالعات توسعه، خصوصاً در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته، مفهوم «رشد خوب» یا «رشد بد» است. در واقع منظور از رشد خوب اقتصادی، یک رشد اقتصادی پایدار با مشارکت تعداد بیشتری از مردم در اقتصاد است. این

رشد، شاخصی به نام کیفیت رشد دارد که می‌تواند در کاهش فقر و افزایش رفاه اجتماعی هم به خوبی نقش بازی کند. اما رشدهایی مانند رشد حاصل از خام‌فروشی معادن یا نفت، نمی‌تواند چنین هدفی را محقق سازد.

بر اساس تئوری‌های نوین اقتصادی، سیستم و ساختار سیاسی یک کشور، نقش مهمی در کیفیت شاخص‌های اقتصادی به دست آمده، بازی می‌کند.

مسئولیت‌پذیری نهادهای مختلف قانونی در نظارت بر عملکرد نظام اقتصادی، توجه به عواملی مانند حقوق مالکیت، کاهش میزان وقوع فساد در نهادهای قانونی و غیره، از مواردی است که تمایل و توان یک کشور را برای رشد اقتصادی همراه با کاهش فقر، معین می‌کند. نباید فراموش کرد آسیبی که گروه‌های پایین درآمدی از کیفیت پایین عملکرد این نهادها می‌پذیرند، بیش از گروه‌های بالای درآمدی است. ارتقای سیستم مالیاتی کشور، علاوه بر افزایش درآمدهای دولتی، موجب توسعه مالی در یک نظام اقتصادی می‌شود و به موجب آن، اتکا به درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی، همچون نفت، کاهش پیدا می‌کند. به علاوه، بازتوزیع مناسب مالیات‌های دریافتی، در کاهش نابرابری‌ها و رفع فقر موثر خواهد بود.

اسناد بالادستی چه می‌خواهند؟

در اصل ۲۹ قانون اساسی کشور، برخورداری از تامین اجتماعی، مستمری‌ها و حمایت‌های بازنشستگی، بیکاری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، درآمندانگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی درمانی و مراقبت‌های پزشکی، به‌صورت بیمه و... را از جمله حقوق مردم برشمرده است. از سوی دیگر، در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ هم ایران به‌عنوان کشوری برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تامین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده‌بهدوراز فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب توصیف شده است. در برنامه‌های توسعه کشور هم مدام بر مفاهیم متنوعی - از جمله کاهش فقر، رفع نابرابری و برقراری عدالت - سخن به میان آمده است. علی‌مردی، کارشناس حقوق، در این باره به آئینو می‌گوید: «از نظر حقوقی و قانونی، در تمام اسناد بالادستی، بر رفع فقر تأکید شده است و مشکل قانونی عمده‌ای در مسیر اجرای برنامه‌های این چنین وجود ندارد اما گاه شاهد اجرای ناقص این برنامه‌ها هستیم که خصوصی‌سازی انجام‌شده، مثال بارز این مسئله است. به نحوی که اهداف مهم پنهان در پس این قانون، که کاهش فاصله طبقاتی و به کارگیری بیشتر توان اجتماعی بود، محقق نشد.»

توجه به تامین اجتماعی، راهکاری مهم

کارشناسان اقتصادی بر این باورند که یکی از الزامات مهم رفع فقر به صورت پایدار در کشور، توجه به تقویت نظام تامین اجتماعی و اجرای قوانین در این حوزه است. ابراهیم رزاقی، استاد اقتصاد دانشگاه تهران، در این باره به آئینو می‌گوید: «توجه به تامین اجتماعی و درک این واقعیت که حرکت کشور در مسیر توسعه باید با الگوهای غربی تفاوت داشته باشد و نباید تسلیم اجرای بی‌چون و چرای برنامه‌های جهانی در این عرصه شد، می‌تواند در رفع فقر در کشور تأثیر داشته باشد.» این استاد دانشگاه می‌گوید: «قبل از اجرای هر برنامه‌ای در کشور، ابتدا باید این مسئله را ریشه‌یابی کنیم که چرا این فقر در کشور به وجود آمده است؟ آیا منابع مالی کمبود داشته‌اند؟ آیا فقر فرهنگی موثر بوده است؟ آیا کشور درگیر حوادث و جنگ و اشغال از سوی قوای بیگانه بوده؟ آیا منابع کشور از سوی بیگانگان



کارشناسان اقتصادی بر این باورند که یکی از الزامات مهم رفع فقر به صورت پایدار در کشور، توجه به تقویت نظام تامین اجتماعی و اجرای قوانین در این حوزه است.

منصور اولی • روزنامه‌نگار

با وجود رشد اقتصادی بالا، شاخصه‌های فقر در کشور رو به گسترش هم بود.

مهدی تقوی، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، در این باره به آئینو می‌گوید: «ثبت نرخ رشد اقتصادی بالا، الزاما نمی‌تواند به رفع فقر منجر شود. اول باید دید که برای حصول این رشد اقتصادی، برنامه‌های اقتصادی بر اساس کدام الگوهای اقتصادی انجام شده است؟ اگر این برنامه‌ها براساس الگوی موردنظر نئولیبرال‌ها پیش رفته باشد، نمی‌توان از آن انتظار پاسخ به این هدف را داشت.» ارتباط بین رشد اقتصادی و کاهش فقر، یکی از مباحثی است که در دهه‌های اخیر موردتوجه اقتصاددانان قرار گرفته است. این مسئله، زمانی بیشتر مطرح شد که تجربه برخی از کشورهای پیشرفته صنعتی نشان داد که حتی با وجود رشد اقتصادی بالا، فقر در

حسن ساسانی:

رشد خوب، یک رشد اقتصادی پایدار با مشارکت بالای مردم است. این رشد کیفی، می‌تواند در کاهش فقر و افزایش رفاه اجتماعی هم به خوبی نقش بازی کند

رفع فقر و کمک به بهبود افزایش درآمد سرانه ایرانیان، از جمله برنامه‌های اعلامی دولت دوازدهم است. البته نباید از یاد ببریم که این یک برنامه و ایده جدید نیست و تقریباً این شعار یا اشکالی از آن، در همه دولت‌های بعد از انقلاب، و به عنوان بخشی از گفتمان محوری انقلاب اسلامی یعنی تحقق عدالت اجتماعی - اقتصادی مطرح، بیان و براساس شاخص‌های اقتصادی، موفقیت‌هایی نیز در ارتباط با آن حاصل شده است. به‌عنوان مثال، همین اینکه در حال حاضر همه روستاهای بالای پنج خانوار کشور، به برق دسترسی دارند، خود نوعی تلاش موفق در حوزه گفتمان عدالت‌خواهی انقلاب و مهم‌ترین محور آن یعنی رفع فقر به حساب می‌آید؛ هر چند به هیچ‌وجه، این تلاش‌ها کافی نبوده‌اند و فقر مطلق کامکان در بخش‌هایی از جامعه اثرات مخرب خود را نشان می‌دهد. از نظر تئوری‌های اقتصادی، مفهوم «فقر» مانند هر شاخصه اقتصادی مدرن دیگری، در طول زمان تغییر می‌کند و قبل از قضاوت در مورد عملکرد دولت‌ها در این عرصه، اول باید پرسید که منظور آنها از فقر چه بوده است؟ براساس اصل سوم قانون اساسی، «هدف حاکمیت

باید بی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه طبق ضوابط اسلامی، جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف‌ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه، استوار شود.» این موضوع را با مهدی تقوی، ابراهیم رزاقی، مهدی پازوکی، علی‌مردی و حسن ساسانی در میان گذاشته‌ایم.

رابطه رشد اقتصادی و فقر

در تئوری‌های کمی شاید قدیمی‌شده اقتصادی، تلاش برای افزایش رشد اقتصادی را مساوی با تلاش برای رفع فقر می‌پنداشتند، اما خیلی زود مشخص شد که این تئوری، کامل نیست. رگه‌هایی از دل‌بستگی به این ایده، در دوره‌هایی از اقتصاد ایران، قبیل و حتی بعد از انقلاب هم دیده می‌شود. رشد اقتصادی مستمر در دهه ۵۰ در کشور را می‌توان شاهد مثال این مسئله عنوان کرد. در آن دوران،